

آیا امام علی علیه السلام برخی از احکام شرعی را نمی‌دانستند؟

توضیح سؤال:

آیا امیرالمؤمنین علیه السلام برخی از احکام شرعی مثل حکم مذی را نمی‌دانست و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پرسید؟

پاسخ:

عده‌ای با استناد به بعضی روایات که در برخی منابع شیعه و سنی آمده است، سعی بر این دارند که جایگاه علمی امیرالمؤمنین علیه السلام را زیر سؤال ببرند و به نوعی با این کار دیگر خلفای اهل سنت را که از نظر علمی دارای هیچ جایگاهی نبودند تطهیر کنند و می‌گویند امیرالمؤمنین علیه السلام برخی احکام مانند حکم مذی را نمی‌دانست و از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال می‌کرد؛ در پاسخ به این افراد باید گفت:

اولاً: این روایت در منابع اهل سنت مثل صحیح بخاری آمده است:

عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ كُنْتُ رَجُلًا مَذَّاءً فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَسْأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ فِيهِ الْوُضُوءُ وَرَوَاهُ شُعْبَةُ عَنْ

الأعمش

محمد بن حنفیه گفت: پدرم علی گفت: من مردی مذاء بودم (بسیار مذی می‌شدم) حیا کردم که این در این رابطه از پیامبر سؤال کنم، به مقداد بن اسود دستور دادم که این مسئله را از پیامبر سؤال کند، پیامبر فرمود: باید بعد از آن وضو بگیری.

صحیح البخاری ج ۱، ص ۷۷ و ص ۱۰۵، البخاری الجعفی، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل
(متوفای ۲۵۶هـ)، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة،
۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

همین روایت در منابع شیعه هم نقل شده ولی از آنجایی که مطابق با روایات اهل سنت است،
برای ما قابل قبول نیست؛ چرا که ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: روایتی را که موافق عامه باشد رها
کنید.

ثانیا: از این روایت ثابت نمی‌شود که حکم مسئله تشریح شده بود و امیر مؤمنان علیه السلام
حکم این مسأله را نمی‌دانسته و در روایت نیز چنین مطلبي نیامده است؛ بلکه از این روایت مشخص
می‌شود که تا آن زمان این حکم تشریح نشده بود زیرا مقدار هم نسبت به این حکم آگاهی نداشته
است؛ لذا امیر مؤمنان علیه السلام به مقدار دستور می‌دهد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله
سؤال کند تا این که ایشان به عنوان مشرّع و حاکم شرع، حکم را تشریح کند و دیگران هم آن را یاد
بگیرند؛ چون تشریح احکام به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

ثالثا: این روایت هیچ منافاتی با علم گسترده امیرالمؤمنین علیه السلام ندارد؛ زیرا یکی از منابع
علم اهل بیت علیهم السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و در روایات بسیاری آمده است که
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

عن أبي جعفر عليه السلام قال قال علي عليه السلام علمني رسول الله صلى الله

عليه وآله ألف باب يفتح ألف باب

رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب از علم به من تعلیم دادند که از آن هزار باب دیگر باز

شد.

الخصال جلد ۲ صفحه ۱۷۹، الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)،

تحقیق: علي أكبر الغفاري، ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية - قم، ۱۴۰۳هـ - ۱۳۶۲ش

در منابع اهل سنت هم آمده است:

عن بريدة الأسلمي قال سمعت رسول الله يقول لعلي إن الله أمرني أن أعلمك

بریده اسلمی می‌گوید: از پیامبر شنیدم که به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: خداوند به

من دستور داده است تا به تو آموزش دهم.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري)، ج ۲۹، ص ۵۶، الطبري، أبو جعفر محمد بن

جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفای ۳۱۰)، ناشر: دار الفكر، بيروت - ۱۴۰۵هـ

رابعا: در صورتی که این روایت با علم اهل بیت علیهم السلام منافات داشته باشد باید دقت

کرد روایات قطعی و متواتری در کتب شیعه و سنی در رابطه با علم امیرالمؤمنین علیه السلام نقل

شده که این روایت با آنان در تعارض است؛ لذا این روایت از اعتبار خارج و کنار گذاشته می‌شود.

در این زمینه به لینک زیر مراجعه نمایید:

<https://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=5038>

خامسا: برخی از وهابیون و اهل تسنن این اشکال را به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گیرند؛

در حالی که موارد بسیار بیشتری در این زمینه نسبت به خلفای اهل سنت وجود دارد که برای نمونه

به چند مورد آن می‌پردازیم:

الف) رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم تیمم را برای عمر توضیح داده بودند ولی عمر نسبت

به آن توجه نکرده و در زمان حکومتش وقتی شخص دیگری از او حکم تیمم را سؤال کرد گفت: من

وقتی آب پیدا نکنم نماز نمی‌خوانم؛ اما عمار آبروی رفته خلیفه را به جوی بازگرداند:

عن عبد الرحمن بن أوزي قال كنا عند عمر فأتاه رجل فقال يا أمير المؤمنين ربما نمكث
 الشهر والشهرين ولا نجد الماء فقال عمر أما أنا فإذا لم أجِد الماء لم أكن لأصلي حتى أجِد
 الماء فقال عمار بن ياسر أتذكر يا أمير المؤمنين حيث كنت بمكان كذا وكذا ونحن نرعى الإبل
 فتعلم أنا أجنبنا قال نعم أما أنا فتمرعت في التراب فأتينا النبي صلى الله عليه وسلم فضحك
 فقال إن كان الصعيد لكافيك وصرب يكفيه إلى الأرض ثم نفع فيهما ثم مسح وجهه وبعض
 ذراعيه فقال اتق الله يا عمار فقال يا أمير المؤمنين إن شئت لم أذكره قال لا ولكن نوليك من
 ذلك ما نوليت

عبد الرحمن بن أوزي می‌گوید: نزد عمر بودیم که مردی آمد و گفت: گاهی اوقات یک ما یا دو
 ماه آب پیدا نمی‌کنیم در این صورت چه کاری باید انجام دهیم؟ عمر گفت: من وقتی آب پیدا نکنم نماز
 نمی‌خوانم تا این که آب پیدا کنم، عمار بن یاسر گفت: عمر آیا به خاطر داری که در فلان مکان بودیم و
 شتر می‌چراندیم و در آنجا جنب شدیم، عمر گفت: آری به خاطر دارم، عمار گفت: من در خاک غلتیدم؛
 سپس به خدمت پیامبر رسیدیم و حضرت خنید و تیمم را به ما آموزش داد، عمر گفت: ای عمار تقوا
 پیشه کن، عمار گفت: اگر می‌خواهید دیگر این مسئله را به یاد شما نمی‌آورم.

سنن النسائي (المجتبى)، ج ۱، ص ۱۶۸، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي الوفاة:

۳۰۳، دار النشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثانية، تحقيق:

عبدالفتاح أبو غدة

در این روایت به صراحت آمده است که عمر حکمی را که پیامبر صلی الله علیه و آله برای او
 توضیح داده است نمی‌داند و بعد هم که عمار می‌گوید از او می‌خواهد که دیگر این مسئله را نگوید و
 انگار دوست ندارد که یاد بگیرد.

ب) خلیفه دوم قصد داشته است که زنی دیوانه را به خاطر این که باردار شده بوده، سنگسار کند؛ ولی علی بن ابی طالب (علیه السلام) جلوی او را می گیرد و به او گوشزد می کند که دیوانه را نباید مجازات کرد:

و قَالَ عَلِيٌّ لِعُمَرَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَلَمَ رُفِعَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُغَيَّقَ وَ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يُدْرِكَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ

علی به عمر گفت: آیا نمی دانستی که شخص دیوانه تا زمانی که به هوش آید و کودک تا زمانی که بالغ شود و خواب تا زمانی که بیدار شود تکلیف ندارند.

صحیح البخاری ج ۶، ص ۲۴۹۹، البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای ۲۵۶هـ)، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

همین روایت به صورت مفصل در سنن ابی داود به این شکل آمده است:

عَنْ بَنِي عَبَّاسٍ قَالَ أُبَيِّ عُمَرُ بِمَجْنُونَةٍ قَدْ زَنَتْ فَاسْتَشَارَ فِيهَا أَنَسًا فَأَمَرَ بِهَا عُمَرَ أَنْ تُرْجَمَ فَمَرَّ بِهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ مَا شَأْنُ هَذِهِ قَالُوا مَجْنُونَةٌ بَنِي فُلَانٍ زَنَتْ فَأَمَرَ بِهَا عُمَرَ أَنْ تُرْجَمَ قَالَ فَقَالَ ارْجِعُوا بِهَا ثُمَّ أَنَاهُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَلَمَ قَدْ رُفِعَ عَنِ ثَلَاثَةٍ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَبْرَأَ وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَغْقَلَ قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا بَالُ هَذِهِ تُرْجَمُ قَالَ لَا شَيْءَ قَالَ فَأَرْسَلَهَا قَالَ فَأَرْسَلَهَا قَالَ فَجَعَلَ يُكَبِّرُ

از ابن عباس روایت شده است که زنی دیوانه را که زنا کرده بود، به نزد عمر آوردند؛ وی در مورد آن زن با دیگران مشورت کرد؛ و سپس دستور داد تا آن زن را سنگسار کنند. علی بن ابی طالب از آنجا می گذشت؛ پس فرمود: این زن را چه شده است؟ پاسخ دادند: این زن، دیوانه ای است از بنی فلان

که زنا کرده است و عمر نیز دستور سنگسار وی را داده است فرمود: او را بازگردانید و سپس به نزد عمر آمده و گفت: آیا نمی دانستی که شخص دیوانه تا زمانی که به هوش آید و کودک تا زمانی که بالغ شود و خواب رفته تا زمانی که بیدار شود تکلیف ندارند؟ پاسخ داد: بلی می دانستم! فرمود: پس برای چه این زن باید سنگسار شود؟ عمر گفت: برای هیچ! فرمود: او را بازگردان؛ عمر نیز دستور بازگرداند او را داد و سپس شروع به تکبیر گفتن کرد!

سنن أبي داود ج ٤، ص ١٤٠، السجستاني الأزدي، ابوداود سليمان بن الأشعث (متوفای ٢٧٥هـ)، تحقیق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ناشر: دار الفکر.

المصنف ج ٧، ص ٨٠، الصنعاني، ابوبكر عبد الرزاق بن همام (متوفای ٢١١هـ)، تحقیق حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ.

فضائل الصحابة ج ٢، ص ٧٠٧، الشيباني، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ٢٤١هـ)، تحقیق د. وصي الله محمد عباس، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

مسند أحمد بن حنبل ج ١، ص ١٤٠، الشيباني، ابوعبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ٢٤١هـ)، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

برای اطلاع بیشتر از جهالت‌های خلیفه دوم نسبت به احکام اسلامی به لینک زیر مراجعه کنید:

https://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=#٨٢٦٨_Toc٤٣٧٠٨٦١٧٩

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)